

## سرمایه داری برزیل: لایه کثیف شناور بر آب آلوده

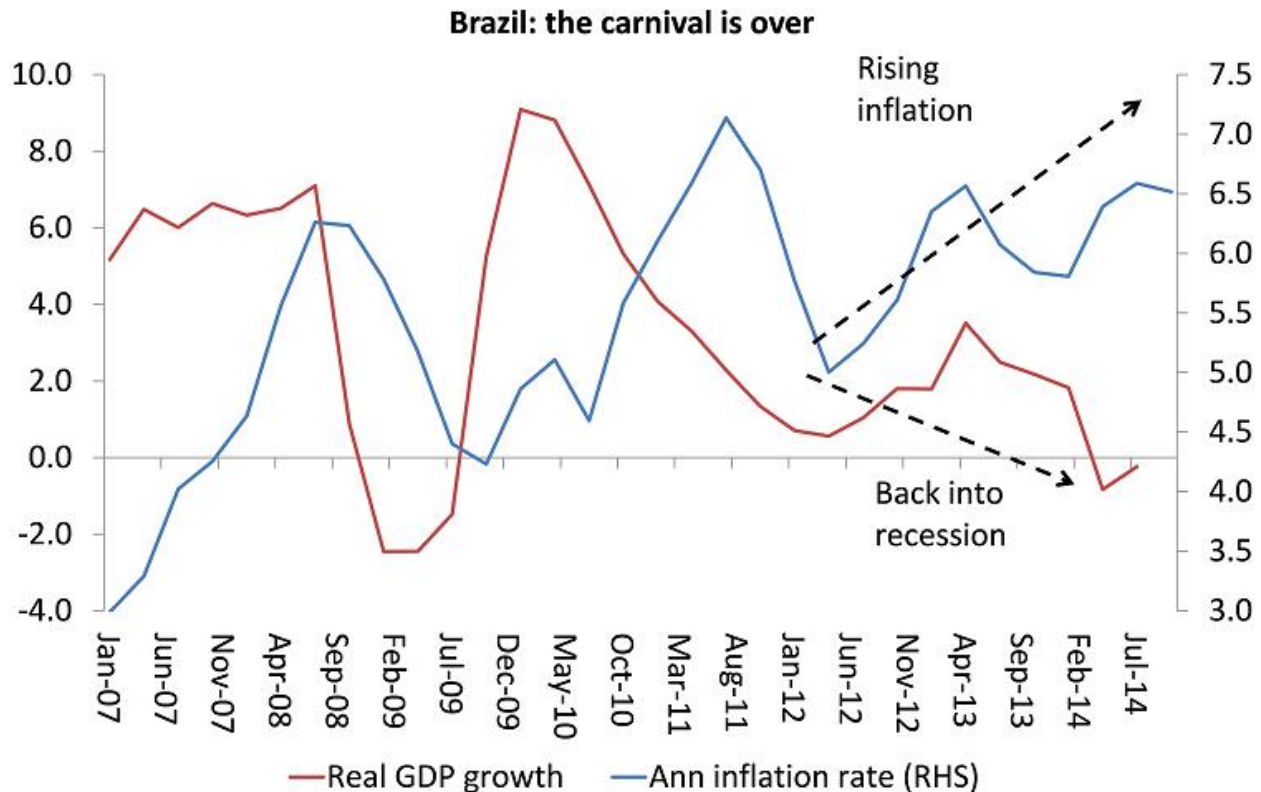
مایکل رابرتز

برگردان: آرام نوبخت

روز یکشنبه، بیش از یک میلیون نفر از معترضین با خواست استیضاح پرزیدنت «دیلمار روسف» به خیابان های برزیل ریختند. این اعتراضات به دنبال شدت یافتن خشم عمومی نسبت به افزایش دشواری های اقتصادی و رسوایی فساد چند میلیارد دلاری در شرکت نفت دولتی «پتروبراس» صورت گرفت (شرکتی که در آن مبالغ هنگفتی پول برای مصارف احزاب سیاسی، به ویژه حزب حاکم اختلاس شد، آن هم درحالی که «روسف» ریاست «پتروبراس» را بر عهده داشت!).

«کریستینا آراهوژو»، یک تحلیلگر سیستم، گفت: «از فساد و ارتشا خسته شده ام. همه ما از این که مالیات های بالا بپردازیم و هیچ ما به ازایی برای جامعه نبینیم، به تنگ آمده ایم».

اقتصاد برزیل، تحت کنترل حاکمیت سوسیال دمکراتی که خود را حامی فقرا و کارگران جا می زند، در یک زوال فاجعه بار قرار دارد. ارزش واحد پول برزیل، «رئال»، در پایین سطح طی ۱۲ سال گذشته است. اقتصاد رو به انقباض است و درآمد ها در حال سقوط.



پاسخ حکومت، معرفی اصلاحات نئولیبرالی و ریاضت مالی بوده است. از آن جایی که برزیل سال قبل برای نخستین بار در طول بیش از یک دهه گذشته با کسری بودجه مواجه شد، «دلیمار روسف» به عنوان رئیس جمهوری که به تازگی و با آرای پائین انتخاب شده، تلاش کرده است تا با معرفی کاهش مالیات و مزایا، به وضعیت مالی عمومی کشور سر و سامان دهد. کاهش های مالیاتی قرار است به نفع شرکت ها تمام شود و کاهش مزایا به ضرر فقرا.

با این حال او با مقاومت سختی رو به رو شده است، آن هم نه فقط از سوی مردم عادی برزیل، که همین طور از طرف ائتلاف احزاب درون کنگره که به دنبال درگیری های درون گروهی بر سر رسوایی «پتروبراس» فلج شده است. سه هفته پیش، رانندگان کامیون در اعتراض به مالیات های بالاتر سوخت و دیگر هزینه ها، اقدام به بستن مسیرها در یک سوّم از کشور کردند؛ به دنبال این، قفسه های فروشگاه ها خالی ماند و حمل و نقل دریایی محموله های سویا مختل شد. حکومت وادار شد که به اکثر مطالبات آن ها تن دهد.

به علاوه خدمات عمومی ضعیف و افزایش تورم که ماه فوریه به بالاترین سطح در طی یک دهه پیش رسید، مرم برزیل را به شدت خشمگین کرده است. در عین حال کشور امسال به سوی یک رکود تکنیکی<sup>(۱)</sup> دیگر پیش می رود. بسیاری از ایالات نیز با کمبود آب و احتمال سهمیه بندی انرژی به دنبال بدترین خشکسالی کشور در ۸۰ سال گذشته، درگیر هستند.

اما مشکل از کجا نشأت گرفته؟ در این جا می توانم با کمی اصلاح و تعدیل به نوشته خود در تاریخ ژوئیه ۲۰۱۳ رجوع کنم. در آن نوشته نشان دادم که سودآوری بخش مسلط سرمایه داری در اقتصاد برزیل در یک روند نزولی بلند مدت قرار دارد که همین امر فشاری رو به پایین را بر سرمایه گذاری و رشد وارد می آورد.



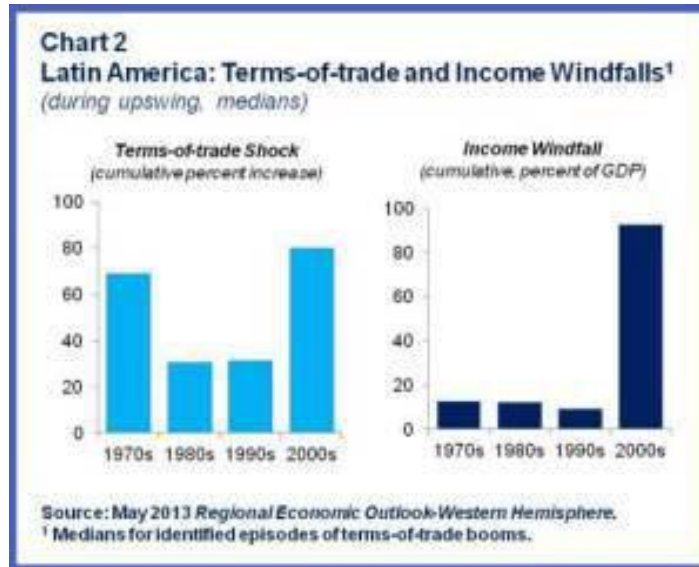
بین سال های ۱۹۶۳ و ۲۰۰۸، نرخ سود نزدیک به ۱۹ درصد سقوط کرد. این سقوط بلندمدت در واقع محصول کاهش بسیار عظیم نرخ سود از ۱۹۶۳ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ بود. طی این دوره حدوداً ۲۰ ساله، نرخ سود بیش از ۳۰ درصد سقوط کرد، درحالی که ترکیب ارگانیک سرمایه ۲۳

درصد صعود داشت و نرخ استثمار ۱۷ درصد کاهش یافت- یعنی یک نمونه کلاسیک از قانون سوددهی مارکس را شاهد بوده ایم.

اما از اواسط دهه ۱۹۹۰، نخبگان حاکم برزیل سیاست های نئولیبرالی را که برای بازگرداندن نرخ سود طراحی شده بود، اتخاذ کردند. ترکیب ارگانیک سرمایه ۲۰ درصد بالا رفت، چرا که سرمایه گذاری خارجی به سوی صنایع (اتومبیل، شیمی و نفت) سرازیر شد، اما نرخ استثمار به مراتب بیشتر، تا ۵۵ درصد، بالا رفت؛ چرا که برزیلی های پیش تری به زمره نیروکار بخش صنعت و فراوری محصولات کشاورزی، همراه با روش های شدید تولید سرمایه داری، پیوستند؛ درحالی که حقوق و دستمزدها پایین نگاه داشته می شد.

برزیل به تولیدکننده و صادرکننده اصلی محصولات کشاورزی در بازار جهانی مبدل شد. صادرات اصلی برزیل شامل سویا، گوشت گاو، گوشت طیور، شکر، اتانول، آب پرتغال و تنباکو می شود. بخش تولید محصولات کشاورزی، اکنون نزدیک به ۲۸ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می دهد. برزیل اکنون پس از ایالات متحده و اتحادیه اروپا، سومین صادرکننده بزرگ محصولات کشاورزی جهان (از نظر ارزش صادرات) است. رشد سریع صادرات، با تغییراتی در ترکیب صادرات کشاورزی همراه شد، به طوری که این صادرات از محصولات گرمسیری فاصله گرفت و به محصولات فرآوری شده حرکت کرد که ارزش افزوده بالاتری دارد. محصولات فرآوری شده اکنون نزدیک به سه پنجم صادرات کشاورزی این کشور را شکل می دهد.

برزیل مانند برخی دیگر اقتصادهای نوظهور، از شماری عوامل بیرونی مساعد که از سیاست های نئولیبرالی داخلی حمایت می کرد، منتفع شد. قیمت کالاهای خوراکی افزایش یافت. از جهاتی این مشابه بود با کشف نفت دریای شمال که به حکومت تاچر (بریتانیا) در دهه ۱۹۸۰ یاری رساند. درآمد بادآورده امریکای لاتین از محل تداوم قیمت های بالای کالاها در طول دهه گذشته، بی سابقه بود. این امر به طور متوسط ۱۵ درصد از درآمد داخلی را به صورت سالیانه و نزدیک به ۹۰ درصد را به صورت تجمیعی در دهه ۲۰۰۰ شکل می داد.



بنابراین ترکیب موفق‌تری از رشد قیمت کالاها به دلیل تقاضای چین، دستاوردهای بهره‌وری به دلیل رشد نرخ استثمار، و گسترش اشتغال از نواحی روستایی وجود داشت. همه این‌ها منجر به رونق سودآوری و رشد در طول یک دهه شد. پس از بحران ۲۰۰۲ و تا سال ۲۰۱۰، رشد تولید ناخالص داخلی به طور متوسط بالاتر از ۴ درصد در سال بود. این خود به بهبودهای قابل توجهی در استانداردهای زندگی و معیشت به طور کلی انجامید.

در دوره حکومت رئیس‌جمهور اسبق، «لولا»، و رونق قیمت کالاها، برخی دستاوردهای مهم برای طبقه کارگر وجود داشت: نظام تأمین اجتماعی، افزایش اعطای اعتبار با نرخ‌های بهره پایین برای کارگران و عمومی کردن بهداشت و آموزش. برنامه کمک هزینه خانواده (Bolsa Familia)، نمایان‌ترین وجه این سیاست‌ها است. بین سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۱، شمار خانواده‌هایی که از پرداخت‌های انتقالی بهره‌مند می‌شدند، بیش از دو برابر شد، و از ۶.۵ به ۱۳.۳ میلیون خانواده رسید (تقریباً یک چهارم جمعیت). در نواحی دورافتاده‌تر، پرداخت‌های صورت گرفته تحت این برنامه، به موتور اصلی اقتصاد محلی مبدل شده است. یکی دیگر از ارکان سیاست حکومت که طی مذاکرات با اتحادیه‌ها اتخاذ شد، عبارت بود از افزایش حداقل دستمزد و حقوق بازنشستگی. طی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲، ارزش اسمی این حقوق و دستمزد ۲۱ درصد و ارزش واقعی آن (پس از تعدیل با نرخ تورم) ۶۶ درصد بالا رفت. نرخ بیکاری از ۱۲.۳ به ۶.۷ درصد کاهش پیدا کرد و نیروی کار با نرخ سالانه ۱.۶ درصد گسترش یافت.

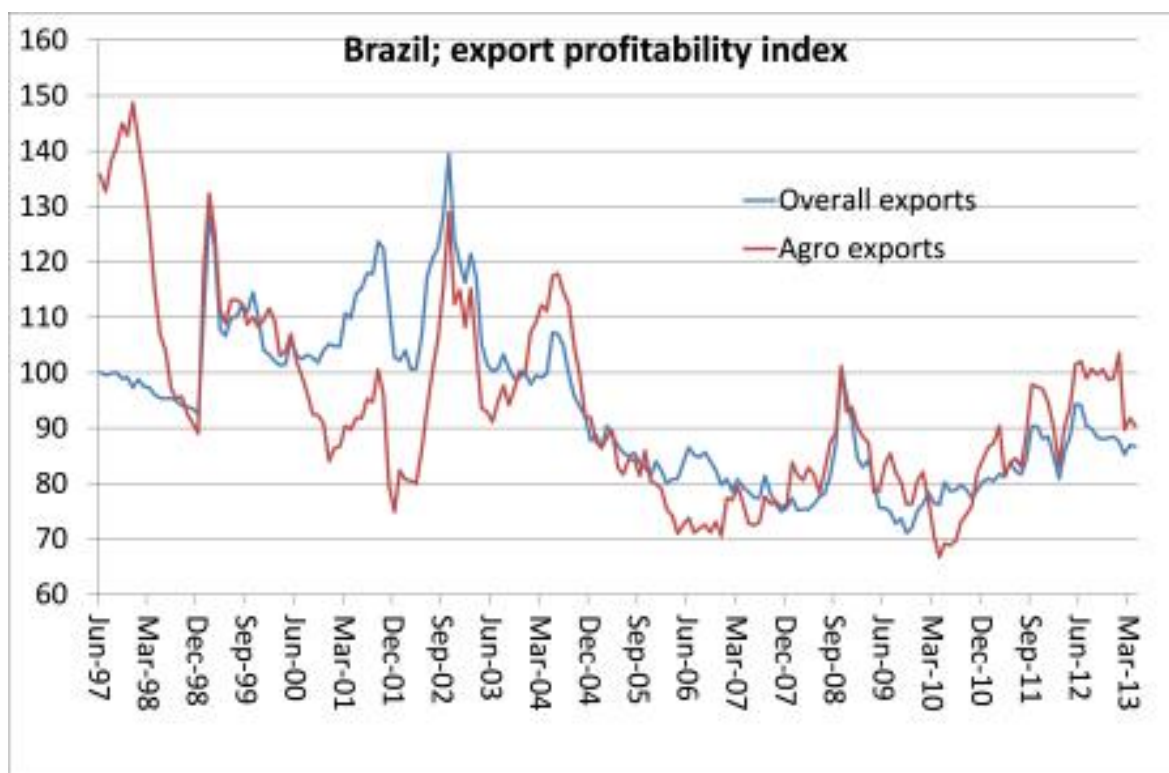
اما نابرابری های توسعه سرمایه داری همچنان در درون نظام ثابت باقی ماند. نابرابری درآمد و ثروت در برزیل در سطوح فوق العاده بالایی قرار دارد، سطوحی که تنها رژیم آفریقای جنوبی پس از آپارتاید از آن پیشی گرفته است. با وجود رونق دهه گذشته، متوسط خالص درآمد قابل تصرف واقعی خانوار، همچنان پایین تر از متوسط «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (۲۳۰۴۷ دلار در سال) قرار دارد و این صرفاً یک متوسط است. بیش از ۱۶ میلیون نفر هنوز در آن چه که فقر مطلق پنداشته می شود، زندگی می کنند. به طوری که درآمدهای ماهیانه آن ها پایین تر از ۷۰ رئال (حدود ۳۳ دلار) است. تقریباً ۸۰ درصد مردان مزدبگیر هستند (این رقم برای زنان ۵۶ درصد است)؛ ۱۲ درصد از کارکنان ساعاتی بسیار طولانی را کار می کنند که بالاتر از متوسط ۹ درصد در «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» است؛ ۱۵ درصد از مردان ساعاتی بسیار طولانی را مشغول به کارند و این رقم برای زنان، ۹ درصد است.

بنا به گزارش ها، طی ۱۲ ماه گذشته، حدود ۷.۹ درصد از مردم قربانی تعرض و تهاجم شده اند، رقمی که تقریباً دو برابر متوسط «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (۴ درصد) است. نرخ قتل در برزیل، ۲۱ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است، یعنی تقریباً ده برابر متوسط «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (۲.۲ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) و بالاترین نرخ در جهان. خشونت در میان افراد جوان تمرکز یافته و طی یک دهه و نیم گذشته، خشونت - از جمله خشونت مسلحانه - به یکی از مشکلات عدیده اجتماعی در کشور بدل شده است. شکاف های منطقه ای در برزیل بسیار بالاست: متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه از تنها ۴۶ درصد متوسط ملی در منطقه شمال شرقی تا ۳۴ درصد بالاتر از همین متوسط در جنوب شرقی متغیر است.

به علاوه قانون سوددهی مارکس همچنان عمل می کرد. از سال ۲۰۰۴، نرخ سود شروع به کاهش نمود (۸ درصد کاهش تا سال ۲۰۰۸ و سپس بیش تر)، چرا که دستمزد، رشد و نرخ استثمار ۲۵ درصد تنزل کرد. این تنها تداوم رونق در قیمت کالاها بود که باعث شد رشد ادامه یابد. وقتی رکود جهانی در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ رخ داد، اقتصادهای سرمایه داری نوظهور نتوانستند از پیامدهای آن اجتناب کنند.

در مورد برزیل، به نظر می رسد که صعود قیمت های کالاها به همراه سیاست آگاهانه حکومت به افزایش سرمایه گذاری دولتی، برزیل را در قیاس با سایر کشورها قادر به اجتناب از پیامدهای وخیم

بحران کرده بود. اما قیمت صادرات کلیدی کشاورزی برزیل از ۲۰۱۱ به بعد رو به افول گذاشت. طی چند سال اخیر، قیمت های جهانی کالاها به سرعت پایین تر رفته و سودآوری نیز بیش تر کاهش یافته است. اکنون سودآوری صادرات برزیل در حدوداً ۲۰ درصد پایین تر از بهترین سال های آن تا پیش از ۲۰۰۴ است.



رشد تولید ناخالص داخلی برزیل نیز متعاقباً از سال ۲۰۱۱ آهسته شده است. طی دو سال گذشته اقتصاد این کشور شاهد سقوط تند سرمایه گذاری و صادرات بخش مانوفاکتور بوده است. در همان حال که سرمایه گذاری عمومی با ۰.۴ واحد درصد افزایش به ۵.۴ درصد از تولید ناخالص داخلی افزایش یافت، اما برای جبران سقوط سرمایه گذاری خصوصی (از ۱۴.۳ به ۱۲.۷ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال گذشته) کافی نبوده است. صنعت حتی هنوز حتی به سطح تولید خود تا پیش از بحران ۲۰۰۸ بازنگشته است.

حکومت تلاش کرده است که سرمایه گذاری بخش خصوصی را از طریق کاهش مالیات و مشوق هایی برای شرکت ها، منتها به بهای کسری بودجه خود، سر پا نگاه دارد. هزینه بهره بدهی عمومی سر به

فلک می کشد و همین امر حکومت را وادار به قطع پرداخت سوبسید به حمل و نقل، مسکن و آموزش - حوزه هایی که اکثریت جمعیت به آن متکی است - کرده است. اما صرف مخارج عظیم بر روی فوتبال و المپیک (بخشاً به منظور رونق بخشیدن به سود بخش سرمایه داری)، آن هم به بهای کاستن از خدمات عمومی ابتدایی، کاسه صبر مردم را لبریز کرد.

نارضایتی های اخیر، حکومت را به اعطای برخی امتیازات واداشته است، اما حکومت قصد عقب-نشینی از سیاست های نئولیبرالی خود را ندارد. سودآوری سرمایه داری، بدون ضربه به استانداردهای زندگی بهبود نخواهد یافت. اما تحمیل ریاضت و وادار کردن کارگران به پرداخت شکست سرمایه داری برزیل، دیگر برای سرمایه داری جوابگو نیست. زیرا مادام که بهبود اقتصاد جهانی ضعیف باشد، رشد اقتصادی نیز پایین باقی خواهد ماند. همین امر، فساد و ارتشای بی‌شرمانه و پشتیبانی سیاسی از آن را هم چون لایه کثیفی که بر سطح آب آلوده شناور است، به سطح می آورد.

۱۶ مارس ۲۰۱۵

(۱) رکود تکنیکی زمانی رخ می دهد که تولید ناخالص داخلی واقعی طی دو «سه ماهه» متوالی کاهش داشته باشد - م

<https://thenextrecession.wordpress.com/2015/03/16/brazil-a-dirty-scum-on-polluted-water/>